

بیست و پنج سال سکوت

روایتی از زندگی حضرت علی (ع) از سقیفه تا خلافت

نویسنده: زهرا خادادی



مهر آیش

شهریور ۱۳۹۶

سرشناسه	:	خدادادی، زهرا، ۱۳۶۳ اردیبهشت -
عنوان و نام پدیدآور	:	بیست و پنج سال سکوت: روایتی از زندگی حضرت علی (ع) از سقیفه تا خلافت/نویسنده زهرا خدادادی.
مشخصات نشر	:	ایلام: مهرآیش، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	:	۱۱۰ص.
شابک	:	978-600-97692-4-7
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
یادداشت	:	کتابنامه.
موضوع	:	علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق - اثبات خلافت
موضوع	:	Ali ibn Abi-talib, Imam I, 600-661 -- *Proof of caliphate
موضوع	:	سقیفه بنی ساعده
موضوع	:	Saqifeh Bani Saede
رده بندی کنگره	:	۳۰۳/۵۴/۲۰۰۳:۹ب ۱۳۹۶
رده بندی دیویی	:	۲۹۷/۱۰۰
شماره ی کتابشناسی ملی	:	۸۷۳۳۹



انتشارات مهرآیش

آدرس انتشارات: ایلام، بلوار آزادی،
مجتمع خدمات درمانی، طبقه ی
همکف، انتشارات مهرآیش

پست الکترونیکی:

mehrayeshpub@gmail.com

شماره تماس: ۰۹۱۸۸۴۶۵۹۹۶

طرح جلد: زهرا امیدی

صفحه ارا: زهرا امیدی

چاپ و صحافی: خانه چاپ کتاب

نوبت چاپ: اول

سال انتشار: ۱۳۹۶

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

کلیه ی حقوق برای ناشر محفوظ است

بهاء: ۱۲۰۰۰ تومان

پیشگفتار

پس از رحلت پیامبر (ص) حوادث پیش بینی نشده‌ای در جهان اسلام رخ داد و ترفندهای برخی از خواص و بی‌اعتنایی عوام به سفارش‌های رسول خدا، رهبری جامعه را از مسیر اصلی خود منحرف نمود. در حضرت علی (ع) برای حفظ اسلام و جلوگیری از تفرقه ۲۵ سال سکوت را بر قیام ترجیح داد؛ سکوت، به معنای کناره‌گیری از هر نوع مداخله در امور رهبری نبود، گرچه مقام خلافت و رهبری سیاسی را دیگران اشغال کرده و نصب و عزل افراد و اختیار اموال اسلامی در دست آنان بود، با این اوصاف، مرجع فکری و یگانه معلم امت که تمام طبقات در برابر علم او خضوع می‌کردند، امام علی بن ابیطالب (ع) بود.

او طی ۲۳ سال رسالت پیامبر (ص)، رشادت‌ها و درش‌های بی‌اوانی برای اسلام نمود و به عنوان برادر، وصی، وزیر و جانشین پیامبر (ص) شهرت یافت. بعد از رحلت رسول گرامی اسلام (ص) تمام این سوابق، به دست فراموشی سپرده شد. یکسری ردای خلافت را به تن کرد. امام (ع) ۲۵ سال از عهده داری خلافت باز داشته شد و سربسته‌ای و زندگی مسلمانان و آینده‌ی بشر همه به گونه‌ای دیگر رقم خورد و اختلافی دامنه‌دار میان امت پیامبر (ص) پدید آمد. مهم‌ترین دوره‌ای که بشر به رهبری حضرت علی (ع) نیاز داشت همان ربع قرن اول پس از رحلت رسول خدا (ص) بود که چنین نشد.

پاسخ دادن به علت سکوت حضرت علی (ع) شاید مهم‌ترین دلیل نگارش این اثر بوده است تا مسلمانان مخصوصاً نسل جوان و نوجوان شیعه، از طریق آن با گوشه‌ای از رنج‌ها،

تلاش‌ها، ایثارها و جانفشانی‌های آن حضرت در راه حفظ اسلام، آشنا شوند؛ آنچه برای مسلمانان و متدینین امروز و فردای اسلام مهم است، درک همین پاسخ است تا شاید آن‌ها نیز بتوانند با الگو قرار دادن آن حضرت در حفظ دین اسلام و مسلمانان، همه‌ی تلاش خویش را به کار گیرند.

www.ketab.ir

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۱	مقدمه
۱۳	کلید واژگان
	فصل اول: وفات پیامبر و پیدایش توطئه ها
۱۹	الف - خلافت غصب شده
۳۱	ب - فدک
۳۸	ج - فاطمه یار تنهای ولایت
	فصل دوم: علل سکوت امام علی (ع)
۴۵	الف - دو راهی سرنوشت ساز
۴۶	ب - سکوت در کلام امام علی (ع)
۵۸	ج - صبر و شکیبایی نه سازش
	فصل سوم: امام علی (ع) در دوران خلفا
۷۳	الف - فعالیت های امام علی (ع)
۷۹	ب - امام علی (ع) و همکاری با خلفا
۱۰۳	تمه ای سخن

مقدمه

مسئله‌ی امنیت و جانشینی پیامبر اکرم (ص) از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مسائل اسلامی است، رسول گرامی اسلام (ص) در زمان حیات خود بر تعیین و تبیین آن اصرار می‌ورزیدند و از آغاز دعوت خود تا آخرین لحظه‌های عمر پربرکت خویش به این امر توجه داشتند.

پیامبر اکرم (ص) خلافت علی (ع) را که برگزیده از طرف خداوند متعال بود، مطرح نمودند، به‌طوری که هر عاقل منصفی، آن‌ها را از اطلاعاتی از تاریخ اسلام و دوران دعوت ۲۳ ساله‌ی آن حضرت داشته باشد، آن را به وضوح دریابد.

اصرار پیامبر اکرم (ص) بر تعیین وصی و خلیفه پس از خود که به عنوان امام، حکومت و رهبری جامعه‌ی اسلامی را به عهده گیرد، یک ضرورت عقلی و عرفی است. این امر منحصر به پیامبر اسلام نیست، بلکه همه‌ی انبیاء عظام جانشین خود را معین می‌کردند، چرا که در هیچ جامعه‌ی زنده و رشد یافته‌ای معقول نیست که رهبر حکیم و دلسوز برای پس از خود فکری نکرده و جامعه را سرخود، رها کرده باشد.

از نظر نقلی هم، روایات متعددی از شیعه و اهل سنت با صراحت کامل نقل شده است که پیامبر اکرم (ص) نسبت به ضرورت جانشین و اهمیت آن تأکید و اصرار داشتند و علی (ع) را به عنوان خلیفه‌ی پس از خود معین کردند که مرحوم علامه‌ی امینی مسائل و منابع مربوطه را در یازده جلد الغدير آورده است.

فلسفه‌ی این کار آن است که همان‌گونه که هیچ پیامبری با انتخاب مردم به رسالت نرسیده،^۱ زیرا شرایط پیامبری و صفات پیامبر را هیچ کس جز خدا نمی‌داند؛ امام هم که ادامه دهنده‌ی راه پیامبر است و شخصیت او هم، از همان حوزه نشأت می‌گیرد، جز خدا کسی نمی‌شناسد و نمی‌تواند او را انتخاب کند. لذا همان‌طور که لطف خداوند ایجاب نموده است که بهترین و شایسته‌ترین انسان‌ها را به عنوان پیامبر بفرستد، همان قانون هم ایجاب می‌کند که شایسته‌ترین فرد را به عنوان امام و جانشین پیامبر معین و اعلام کند که این امر در طول حیات پیامبر (ص)، بارها اتفاق افتاد و حضرت جانشین خود را به مردم معرفی نمود.^۲ آخرین مورد در حجه الوداع بود که خداوند متعال مؤکدترین خطاب‌های خود را به پیامبر اکرم (ص) صادر فرمود: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ».^۳

بنابراین، ضرورت عینی و اجتماعی ایجاب می‌کرد که علی (ع) از سوی پیامبر (ص) به عنوان جانشین معرفی شود.

اما پس از آنکه پیامبر (ص) چشم از جهان فرو بست و خورشید تابناک وجود او از آسمان منظر مردمان، غروب کرد؛ برخی نیره‌دلان در «سقیفه بنی ساعده» جمع شدند و با آنکه حضرت رسول (ص)، حضرت علی (ع) را به سزوار پروردگار به جانشینی خود تعیین فرموده بود؛ آنان در آن روز حکومت را به سوا بویکر تمام کردند! و پس از او عمر و آنگاه عثمان را به خلافت رساندند؛ و چنین شد که بر روی سر حدود ۲۵ سال پس از پیامبر گرامی، بر مردم حکومت کردند و بالطبع در این سال‌ها دراز، یگانه‌ترین و سزوارترین مرجع خدایی و واقعی حکومت اسلامی و جانشینی پیامبر (ص)، یعنی علی بن ابیطالب (ع)، تن به شکیبایی سپرد و در غیر منصب خلافت ظاهری مشغول خدمت به اسلام و مسلمین بود و این از دروغ‌انگیزترین حوادث تاریخ بشری است، چنان‌که حتی پیروان ادیان دیگر و نیز حتی آنان که هیچ دینی ندارند، با دانستن سوابق عظیم خدمات و

^۱ - ر.ک: جمال‌الدین دین‌پور و دیگران، در محضر خورشید، قم، ۱۳۸۶، صص ۱۲۰-۱۱۹.

^۲ - سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۶۷

زحمت‌های توان‌فرسای حضرت علی (ع) در راه اسلام و پاک‌جانی و پاک‌دلی و شجاعت و قدرت اندیشه و وسعت و گسترده‌گی دانش و انصاف و دادخواهی او؛ بی‌اختیار از این ستم که آنان به سرنوشت ملت اسلامی روا داشته‌اند؛ اظهار تأسف می‌کنند تا چه رسد به مسلمانان منصف و تا چه رسد به ما شیعیان.^۱

اگرچه امیرالمؤمنین (ع) در طول این سال‌ها گوشه‌نشین بود و مسلمانان از فیض عدالت علوی محروم بودند، ولی او از راهنمایی حکومت و حاکمان - آنگاه که محتاج به نظر ژرف او بودند - ابایی نداشت؛ و در بسیاری از مسائل سیاسی و یا معضلات قضایی حاکمان، یگانه منبع حل اختلاف بود.

کلیدواژگان

سکوت: در لغت به معنای بی‌صدا، خاموش، خاموشی دراز، آنچه کسی را خاموش گرداند.^۲

در اصطلاح؛ سکوت امام علی (ع) به معنای کارگیری و انزوا نیست، بلکه ترک قیام و دست نزدن به شمشیر است. و گرنه حضرت هجواره در مآلای حق خلافت خود در هر فرصت مناسب خودداری نکرد.^۳

خلافت: در لغت به معنای جانشینی، جانشین شدن، حکومت، خلافت، رهبری.^۴

در اصطلاح عبارت است از؛ مقام ریاست دینی و دنیوی مردم مسلمانان پس از پیغمبر (ص)، این واژه در اسلام جایگاهی ویژه و سرنوشت‌سازی داشته است و به لحاظ اختلاف‌نظری که پس از درگذشت پیامبر عظیم‌الشأن اسلام میان مسلمانان در تفسیر این واژه پدید آمد، آن‌ها را به دو فرقه عامه و خاصه یا به تعبیر دیگر سنی و شیعه تقسیم نمود.

^۱ - ر.ک: محسن خرازی، زندگینامه‌ی چهارده معصوم، قم، مسجد جمکران، ۱۳۸۶، صص ۱۵۳-۱۵۲.

^۲ - احمد سیاح، فرهنگ بزرگ جامع نوین، تهران، اسلام، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۷۱۵.

^۳ - مرتضی مطهری، سیری در سیره‌ی ائمه اطهار (ع)، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۳، ص ۱۱۴.

^۴ - محمد بندرریگی، فرهنگ بندرریگی، تهران، علمی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۸۶۱.